

آیا همه به نوعی دچار پارانوئیا هستیم؟ ترجمهٔ هاله رجایی

۱۰ به کسی نگوئید که این شمارهٔ مجله را خریداری کردید. آنرا دور از چشم نامحرم‌ها بخوانید.

پارانویا در سکوت، نهان، بدگمانی و سوءظن پرورش می‌یابد. این پرونده باید محرمانه باقی بماند.

دردی مزمن و قدیمی که از قدیم الایام وجود داشته. فدر قهرمان تراژدی راسین نیز بدان مبتلا بوده چنانچه در یک بیت شعر ۱۲ سیلابی آن را این چنین توصیف می‌کند: «هر چیزی مرا اندوهگین می‌کند و به من آسیب می‌رساند، همه چیز دست به دست هم داده تا مرا از بین ببرد.»

هارپاگون هم این حس را داشته، مثل این جمله «همه جا را پراز دزد می‌بینم».

ژان ژاک روسو که محکوم به تنهایی است و پراز بغض و کینه خود را قربانی یک توطئه جهانی می‌داند.

گاهی اوقات این ستمگران به روشنی مشخص هستند.

استریندبرگ احساس می‌کند به دام شیاطین و روح پلید افتاده و سلین به تمام انسانها بخصوص یهودیان بدبین است.

آرتو خود را بدین گونه متقاعد کرد که مسحور شده و از صبح تا

شب بر علیه جادوگران مبارزه می کند.

تمامی این توهمات از تنفر و سوءظن ناشی می شود که بیشتر ریشه خانوادگی دارد و در ضعف عاطفه نمایان است.

هر کدام مترصدند تا علائم شکنجه و آزاری که آن ها را مجروح می کند را پیدا کنند حتی کوچکترین شیء می تواند مورد سوظن و بدگمانی آن ها باشد مثل صدای زنگ تلفن، کامپیوتری که قربانی ویروس شده، کیفی رها در ایستگاه قطار یا یک لیوان آب با طعمی غیر عادی و رنگی زرد.

آیا ما همگی دچار جنون و بدگمانی هستیم، آیا خطری جدی ما را تهدید می کند دکتر؟ با کمترین شک، با اولین تنفر علائم مشخصه سریع منتشر می شود. پارانوئا دردی است که فرار از آن غیر ممکن است و در هر زمان بیماری های روحی - روانی خاص خود را دارد.

در اواخر قرن ۱۹ این بیماری صرع و هیستری نامیده می شد، سپس فروید بعد از مورد قاضی پل شربران راهیجان جنون آمیز نامید. نوعی دیوانگی و جنونی جدید. امروزه با شوریدگی های شخصیت های متعدد و بیماری های عصبی که به افسردگی منجر می شوند، پارانوئا به شکل یک بیماری روحی ظاهر شده است. رمز جامعه ای که بایک حس نگرانی، فاجعه و توطئه رابه هر شکل پرورش داده و در دسترس همه قرار داده است.

پیدا کردن دشمن آسان تر از پیدا کردن دوست است. پارانوئا مغایرتی بین بهتر

تمامی این توهمات از تنفر و سوءظن ناشی می شود که بیشتر ریشه خانوادگی دارد و در ضعف عاطفه نمایان است. آیا ما همگی دچار جنون و بدگمانی هستیم آیا خطری جدی ما را تهدید می کند؟



زندگی کردن و یکی شدن بوجود آورده است. جنگی تسکین ناپذیر و پایان ناپذیر و تمام ناشدنی، زیرا اگر با کوچکترین حدس و گمانی انسان برای پیدا کردن دشمنان دچار مشکل و مرارت شود همیشه می تواند شیفته و عاشق خود باشد. خدای من چقدر شیرین و دلپذیر است پارنوید بودن! ♦ ♦





هنی در دفتر میدید!

پارا نو یا درد یست که فرار
از آن نمید ممکن است ...